

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُعْجَزَاتِ این بایکه خود سحر حلال هفت آور دین سخن یا حبیب
این سوم بار است که قلم نویسنده تحریک فرمایان مبارک می یابد. در دو بار نخستین که
طرف به صاحب نظران نیز واقع گردید ترجمه شوال گنیزم جواد فاضل اندکی مختصر
مستحق نموده است علین بر آن پوشانده بر نور طبع ارستم. اینک آن شدم یا
فشار سحر حلال مان بار شد تفکر معانی بلند آن در باب اخلاق و سیاست
همچون دیگر حکمت های سحر حلال شریف بر فروغ تر از همیشه بر تارک اندیشه های خرد
و شب دکان ابر بر فروختن این سحر حلال عقلایت فرامی خواند طبعی بیع با
ترجمه یار و ایتی جدید معروض معرفت باین فرستاد دستمان پیروان آزاده حضرت
امام الاحرار حیدر گزارد عرضه بدرم. و گنجی سحر حلال کلام سحر گنیزم
ولی عظمی الهی این در سکت تحریر در آورده و بر این ساله افروخته سحر حلال فصل اول شد
و هم در سایه سار کلام بکمال سحر حلال حضرت شاکستی بی ناگزیر کار پوسیده اند
در ترجمه متون ادبی و حکمی چنانکه کار شنایان اند تگنایابی است که رساندن مفهوم
کما هو حق و همراه با قالبی در خور دشواری سازد. حال اگر متن کلام شکوهمند و
بی بدیل امام علی باشد که بمسال لفظاً و معنایاً در اوج فصاحت و بلاغت بوده و در یادریا حکمت

و معانی حیرت انگیز را در بسوی الفاظ و کلام فاخر خود ریخته و گنجایش بحر در بسوی
 ممکن ساخته، و شواری کار بسته صد چندان خواهد شد. و چنانچه صرفاً بنا بر ترجمه صطلاحاً
 تحت لفظی باشد، ای بسا که در بیان مقصود و توفیق چندان حاصل نیاید که دست
 کوتاه و حسد با برنجیل. و از یک منظر شاید حق با جواد فاضل بود که ترجمه خود را بیشتر به
 شکر گویند و بمانندی مبدل نمود و حاصل کلام مطابق ذوق خود پروراند و آنچه
 باید گفت در همین باره ای از عبارات مولا حقاشا به کار نموده است.

باری در ترجمه یا روایت حاکم در تفسیر المصنف سعی شده تا با الهام از دیگر ترجمه های
 عمدنامه و با تغییرات و تصرفات نو کردن هم در لفظ و هم در معنی، علاوه بر حفظ انما
 و رعایت چارچوب متن، مفهوم و مضمون کلام را به گونه ای نسبتاً نو و بسزای
 تعبیری دقیق و رسا بسته در خور بضاعت ذوق انانیت عرضه کرده باشد.
 این هدیه ناچیز به آستان اعلای امام الثقلین امیر المومنین حضرت علی بن ابی طالب (ع)
 چگونه سر ز خجالت بر آورم بر دست که خدمتی بسزا بر نیاید از دهم
 در خاتمه از موسسه ارجمند فرهنگ منہاج، که در طبع نفیس این کتاب مستطاب سعی فرمود
 سپاسگزار می بینم. چهار دهم دی ماه کمینار و سیصد هشتاد و نه هجری شمسی

مقدمه حاضر از نگارش هم فرمانات متن حاضر چهارمین نگارش مندرج می باشد حسین آیت